در پیام آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی به‌مناسبت هفته پژوهش تبیین شد

شاخص پژوهش درست و تحقیق معیار

همایش علمی نقش علوم انسانی- اسلامی دیجیتال در پژوهش با پخش پیام تصویری آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی به‌مناسبت هفته پژوهش و با سخنرانی آیت‌الله اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه و حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی جوادی آملی رئیس بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اسراء ۲۷ آذر در سالن همایش‌های این بنیاد برگزار شد.

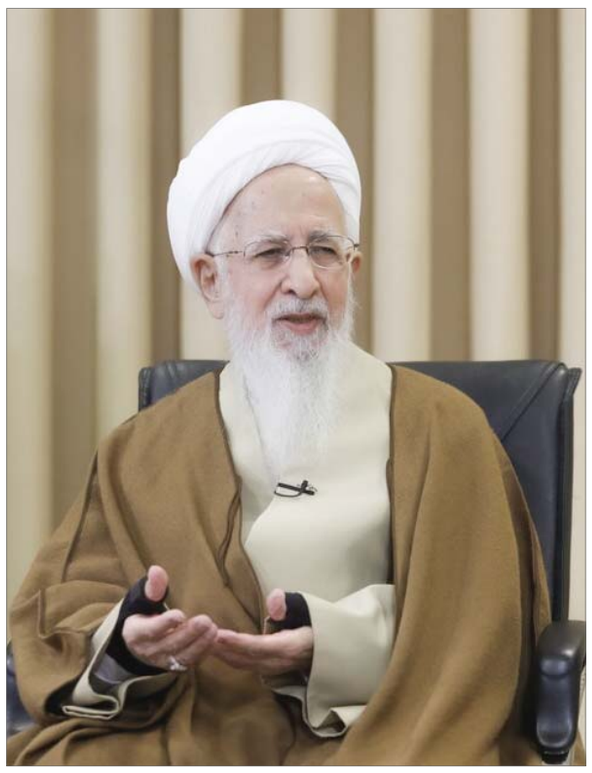

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اسراء، در پیام تصویری حضرت آیت‌الله جوادی آملی به‌مناسبت هفته پژوهش آمده است:

جریان پژوهش را همراه با تعلیم و تعلّم بر ما لازم کردند. یک بحث در این است که انبیا آمدند و معلم ما شدند: ﴿یعلمهم الکتاب والحکمة﴾ یک بحث در این است که به ما نفرمودند: همین که عالم شدید، کفایت کنید. همین که معلم شدید، همان گفته‌ها را منتقل کنید؛ بلکه وقتی به بارگاه ائمه علیهم‌السلام مشرف شدید، خود آنها به ما آموختند که به پیشگاه آنها درخواست کنیم، عرض کنیم: «إنّی محقق لما حققتم ومبطل لما ابطلتم»؛ این جمله که در زیارت جامعه کبیره است، گرچه به‌صورت خبر است؛ اما جمله‌هایی که در زیارتنامه‌ها هست، در مناجات‌ها هست، در ادعیه است، اینها جمله‌های خبریه‌ای هستند که به داعی انشاء القاء می‌شوند؛ یعنی انسان به بارگاه امام هشتم علیه‌السلام که مشرف شد، از آن ذات مقدس درخواست می‌کند که به‌برکت الهی از خدا بخواهند که من محقق بشوم، یک پژوهشگر بشوم که این سه کار را بتوانم بکنم؛ گذشتگان ما چه فرمودند؟ آیندگان ما چه می‌خواهند؟ من چگونه گذشته و تراث گذشته را حفظ بکنم و قابل عرضه به نسل بعد بکنم و تحویل اینها بدهم؟

آنکه فقط گذشته را بلد است، محقق نیست. آنکه می‌خواهد برای آینده بدون سرمایه حرف بزند، محقق نیست. محقق یعنی این اضلاع سه‌گانه را مجتهداً – نه مقلداً – بداند. این آرزوی حوزه و امثال حوزه است که به بارگاه امام مشرف می‌شوند. آن درخواست مغفرت و اینها هم سرجایش محفوظ است و اما آنکه حوزه و حوزوی از وجود مبارک امام هشتم و سایر ائمه علیهم‌السلام می‌خواهند، این است که مجتهد باشند، یک؛ اجتهادشان تجزی نباشد، دو؛ اجتهادشان نظیر سابق فقها نباشد، سه.

خدا غریق رحمت کند بزرگان ما را! که مال نسل قبلی بودند. اینها می‌گفتند که اجتهاد در عصر ائمه علیهم‌السلام به حفظ اقوال بود. سرپرستی اصول نسبت به فروع و اینها را نداشتند. آنجا اصلی نداشتند، فرعی نداشتند، قواعدی نداشتند. فقاهت در آن روز، فتوای امام بود، خیلی هم آسان بود مجتهد شدن.

اگر کسی در محضر امام علیه‌السلام باشد، اجتهادش خیلی آسان است؛ اما الآن تلّی از شبهات، تلّی از اشکالات، ورود ضعاف و اقویا و پراکنده شدن اقویاست که بسیار دشوار است. الآن چاره‌ای جز شناختن اصول، شناخت فروع و سرپرستی امامت برای اصول، نیست. انسان باید امام‌شناس باشد که کدام شیء قاعده است، کدام شیء اصل است و کدام شیء امام است تا فروعات که امتان این امام‌اند، به پیشگاه این امام ببرد، او را سرفراز کند.

اگر انسان این‌چنین شد، دعایش مستجاب است. این می‌شود «محقق لما حققتم»؛ اما اگر حرف‌های گذشته را دارد برای آینده حفظ می‌کند، این یک باربری است که مصرف این حرف‌ها گذشت. شما ببینید برای ذات اقدس الهی وقتی تورات می‌آورد، وقتی انجیل می‌آورد، وقتی قرآن می‌آورد، یک سلسله اصول مشترک دارد که کم است. یک سلسله فروعات فراوانی هم دارد که تغییر پیدا کرده است. هر عصری، هر مصری، هر نسلی خواسته‌ای دارد، نیازی دارد و ذات اقدس الهی آنچه را که در تورات گفته، در انجیل نگفته است. آنچه که در تورات و انجیل گفته، همان‌ها را در قرآن نگفته است. می‌فرماید اینها مهیمن است؛! فرمود: قرآن مهیمن بر تورات است، مهیمن بر انجیل است، هیمنه دارد، سلطنت دارد، امام آنهاست.

شما الآن که در حوزه و دانشگاه هستید، باید مهیمن باشید؛ وگرنه مصرف‌کننده هستید. این پژوهش نیست؛ این مصرف کردن است. حرف‌های دیگران را یاد گرفتن و نقل کردن، این حرکت هیمنه نیست، این پژوهش نیست، این مصرف‌کننده است. مصرف کردن کار مقلدان است. ما وقتی به حضور امام رسیدیم، از ذات مقدس الهی به‌برکت ائمه علیهم‌السلام می‌خواهیم که نوآور باشیم. اگر انجیل بعد از تورات است، حرف‌های تازه دارد و اگر قرآن بعد از آنهاست و هیمنه دارد، حوزه ما هم، باید نسبت به حوزه‌های گذشته هیمنه داشته باشد. دانشگاه ما نسبت به دانشگاه دیگر هیمنه داشته باشد.

ما باید بفهمیم که مجتهداً [سخن گفتن] حرام نیست. حرف‌های تازه آوردن زشت نیست که این قدر فرار می‌کنیم و می‌گوییم همین مقدار درسی که خواندیم، بس است. تا سر رود به سر رو و تا پا به پا بپو! اگر حرف‌های تازه آوردیم، تازه اول زندگی ماست؛ وگرنه مصرف‌کننده دیگران هستیم.

بنابراین به ما گفتند: محقق باش. از نظر علمی باید محقق باشیم. تازه اگر از نظر علمی محقق شدیم، برای هدایت جامعه کافی نیست. باید متحقق باشیم؛ چون مستحضرید که علم بدترین چیز است برای انحراف.

ما یک چشمی داریم که کارش دیدن است، یک گوشی داریم که کارش شنیدن است و هیچ یعنی هیچ! هیچ ارتباطی بین اینها نیست. ممکن است کسی بصیر باشد، سمیع نباشد، سمیع باشد، بصیر نباشد. ائمه علیهم‌السلام آمدند و یک قواشناسی کردند، نیروشناسی کردند. آنکه در رأس قرار دارد، نفس است. اینکه در بخش جهاندانی و جهان‌بینی قرار گرفته است که خوب می‌فهمد هم بود و نبود را و هم باید و نباید را، هم می‌فهمد چه هست و هم می‌فهمد چه نیست، هم می‌فهمد چه باید و هم می‌فهمد چه نباید؛ اما هیچ کاری از او ساخته نیست. این به‌نام عقل نظری است. این کار حوزه و دانشگاه است که هیچ کاری از او ساخته نیست.

آنچه که آدم می‌سازد همین است که فرمود: «العقل ما عبد به الرحمن واکتسب به الجنان» این آن‌قدر امامت دارد، رهبری دارد که بایدها را عمل می‌کند و نبایدها را طرد می‌کند. خوبی‌ها را می‌گیرد بدی‌ها را طرد می‌کند. این می‌شود امام.

این حرف‌ها بوسیدنی است. اینکه می‌بینید ما حرم رفتیم، در و دیوار را می‌بوسیم، برای اینکه اینها حرف تازه آوردند. فرمود: اینکه حوزه رفتید درس خواندید، مجتهد شدید، یک علمی پیدا کردید؛ اما این ممکن است شما را به گودال بیندازد! مگر نخواندید در قرآن که فرمود: ﴿و جحدوا بها واستیقنتها انفسهم﴾؟ با اینکه مطلبی صد درصد برای یک عده‌ای یقین است؛ اما با هم عمداً بیراهه می‌روند!؟ هر جا پیغمبری آمد، چندین متنبّی آمدند. چندین متنبّی در برابر انبیا آمدند. تمام این انحراف‌ها، مال حوزه و دانشگاه است. تمام این لغزش‌ها مال حوزه و دانشگاه است.

آنکه از سجاده و نماز شب و دعای کمیل و زیارت و ناله و اشک برمی‌خیزد، همین است که فرمود: «العلم بالعقل یعتقل»؛ یعنی عقل عملی، کارش عقال کردن است. زانوبند دستش است، جلوی این علم و عالم را می‌گیرد، پایش را عقال می‌کند که هر حرفی را نزن. اینکه قرآن فرمود: ﴿و جحدوا بها واستیقنتها﴾ استیقن بالاثر و یقینی‌تر و قوی‌تر از تیقّن است. فرمود: صددرصد مطلب برای اینها روشن است؛ اما بیراهه می‌روند و راه دیگران را هم می‌بندند. پس، از حوزه بدون دین، کاری ساخته نیست. دین‌شناسی غیر از دینداری است. ما دو دستگاه کاملاً از هم جدا داریم. یک دستگاه جزم است و تصور است و تصدیق است و عالمانه است و حوزه و دانشگاه شدن است. یک دسته عزم است و اراده است و ایمان. عزم یعنی عزم. جزم یعنی جزم. هیچ ارتباطی هم با هم ندارند. فرمودند: اینک اینها صددرصد می‌دانند که چه چیزی بد است و چه چیزی خوب است؛ اما عالماً و عامداً بیراهه می‌روند. این همه مشکلات اختلاس و امثال ذلک، روی همین است. کسی نیست که نداند، اینها بد است. کسی نیست که نداند، جامعه را به زحمت انداختن بد است.

اینکه فرمود: ﴿و جحدوا بها واستیقنتها انفسهم﴾ کار را به دست این باید بسپاریم؟ اینکه وجود مبارک موسای کلیم علیه‌السلام به فرعون فرمود: برای تو صددرصد مسلّم شد که حق با من است: ﴿لقد علمت ما انزل هؤلاء الا رب السموات والارض بصائر﴾، فرمود: برای تو مسلّم شد، حق با من است، شما تردیدی نداری. پس می‌شود انسان صددرصد بداند که چه چیزی بد است و عمل نکند به حق، و عمل بکند طبق آن بد؛ چون کاملاً مرزها جداست.

اما روح اگر قوی باشد و امامت خوب داشته باشد، رهبری خوب داشته باشد، این علم را این جزم را در خدمت عزم قرار می‌دهد. فرمود: «بالعقل یعتقل العلم» با این عقل عملی دست و پای این علم را عقال می‌کند که بی‌جا حرف نزند، بی‌جا چیز ننویسد. تا علم حوزه با دین حوزویان عقال نشود، مشکل داریم. تا علم دانشگاه با ایمان دانشگاهی‌ها عقال نشود، مشکل داریم. پژوهش یعنی این؛ نه پژوهش یعنی فهمیدن. چه کسی نوشته؟ چه کسی حاشیه نوشته؟ چه کسی بالاکرده چه کسی پایین کرده؟ فرمود: «بالعقل»؛ این حرف‌ها بوسیدنی نیست؟

ما اگر حرم می‌رویم در و دیوار را می‌بوسیم برای این حرف‌های تازه است. ما خیال می‌کنیم، حوزه برای ما کافی است، دانشگاه برای ما کافی است.

ما یک جزم داریم که این می‌تواند، بسازد و ببافد که «زید قائمٌ» با اینکه می‌داند نشسته است. چرا؟ برای اینکه این عقل نظری کارش جزم است. این کاری به بد و خوب ندارد، کاری به حلال و حرام ندارد. آنکه عزم دارد، عقل عملی است مرزشان کاملاً از هم جداست.

آدم می‌تواند یک چیزی را که صددرصد برای او ثابت شده، حق است، بر خلاف عمل بکند؛ زیرا آنکه عمل می‌کند، تصمیم می‌گیرد؛ عزم یعنی عزم. آن یک چیز دیگری است. این نام شریفش عقل عملی است. این عقل نظری است، عقل نظری هم، بود و نبود را خوب می‌فهمد که مال حکمت و فلسفه و اینهاست، هم باید و نباید را خوب می‌فهمد که مال فقه و اخلاق و اینهاست، هم در فهم باید و نباید مجتهد می‌شود و هم در فهم بود و نبود.

اما حالا من باید تصمیم بگیرم، انجام بدهم یا انجام ندهم! اینکه به امام عرض می‌کنیم توفیق بدهید که من «محقق لما حققتم ومبطل لما ابطلتم»، اگر این شد، إن‌شاءالله جمله سوم هم عملی می‌شود: «ومحتمل لعلمکم» «محتمل»، جمله خبریه به داعی انشاء است. همه این جمله‌های زیارت و ادعیه و اینها، جمله خبریه‌ای است که به داعی انشاء القا شده است. «محتمل»، نه یعنی احتمال بدهم؛ یعنی بیایم حمل بکنم. مگر شما نفرمودید که ما یک سلسله علوم ویژه داریم؟ هر کسی لایق نیست و بعضی لایق هستند و این علم ویژه ما را، فقط ملائکه و انبیا حل می‌کنند! بعد فرمود: غیر از ملائکه و انبیا، «عبد امتحن الله قلبه بالتقوی». ما امیدواریم به‌برکت شما جزء بندگانی باشیم که علم ویژه‌ای که ملائکه حمل می‌کنند، ما حمل بکنیم: «ومحتمل لعلمکم».

مگر نفرمود که «إن لنا علم لا یحتمله الا ملک مقرب أو نبی مرسل أو عبد امتحن الله قلبه للتقوی»؟ ما، هم آمدیم که دعاهای ما مستجاب بشود درباره جامعه ما، ملت ما، مسئولین ما؛ هم آمدیم که محققانه برگردیم و آن علومی که در جاهای دیگر نیست و فقط در حرم‌های شماست، آن را به ما بدهید. این جمله خبریه‌ای است که به داعی انشاء القا شده است؛ یعنی آنکه شما فرمودی: «لا یحتمله الا عبد امتحن الله قلبه للتقوی»، آن باید باشد این می‌شود پژوهش؛ وگرنه آن پژوهش‌های قبلی امر حوزه بود. سالیان متمادی نهایه مرحوم علامه در اصول را می‌خواندند، بعد کم‌کم قوانین پیش آمد و صاحب معالم. صاحب معالم پیش آمد و آن نهایه علامه و قوانین رخت بربست و بعد کم‌کم فصول آمد و فصول هم، چند مدتی رواج داشت و بعد، مال آقای مظفر رحمه‌الله پیدا شد. اینها تغییر است. اینها کارهای ساده روزانه است. اینها را که نمی‌گویند پژوهش.

اگر کسی به جایی رسید که در برابر امام رضا علیه‌السلام بگوید: «إنی محقق لما حققتم»، بعد بگوید: «محتمل لعلمکم»، او لیاقت دارد که جزء پژوهشگرها باشد؛ چون چیزی را می‌خواهد پژوهش کند که گیرش بیاید که در جای دیگر نباشد. این علومی که در جای دیگر فراوان است، ریخته است اصلاً. این علومی که در حوزه است، ریخته است. علومی که در دانشگاه است، ریخته است. میلیون‌ها نفر همین درس‌ها را بلد هستند، میلیون‌ها نفر هم آن درس‌های دانشگاهی را بلد هستند. الآن رفته، به زیر آورد چرخ نیلوفری را! الآن مثل اینکه مسافر روزانه پیاده می‌کنند از زمین به آسمان از آسمان به زمین ماهواره می‌برند. این‌ها رفت و آمد دارند. اما همین‌ها که آسمان را وجب به وجب شناختند، زمین را وجب به وجب شناختند، روزانه مسافر می‌برند و می‌آورند، در قیامت کور محشور می‌شوند «ونحشره یوم القیامة اعمی».

در پایان سوره مبارکه «طه» دارد که این اعتراض می‌کند: ﴿رب لم حشرتنی اعمی؟﴾؛ چرا مرا کور محشور کردی؟ ﴿وقد کنت بصیرا﴾ من که در دنیا چشم داشتم. فرمود: «کذلک»؛ «کذلک یعنی کذلک»! یعنی تو چشم نداشتی. کور بودی الآن هم کوری. زمین را وجب به وجب دیدی؛ اما زمینساز را ندیدی. گفتیم: ﴿أفلا ینظرون الی الابل کیف خلقت﴾ که ندیدی. ﴿والی السماء کیف رفعت﴾ که ندیدی. «والی الارض کیف سطحت» که ندیدی. «والی الجبال کیف نصبت» که ندیدی. پس کور هستی.

عرض کرد: «رب لم حشرتنی اعمی وقد کنت بصیراً» فرمود: «کذلک»؛ یعنی همین‌جور بودی. خیلی‌ها ممکن است، در حوزه باشند، در دانشگاه باشند و کور محشور بشوند. اگر ما طوری بودیم که کار اویس قرنی از ما ساخته بود، این جهان ما اصلاح بود، نظام ما اصلاح بود. نه بیراهه می‌رفتیم، نه راه کسی را می‌بستیم.

پس این پژوهش‌های عادی، این‌ها، آن ردیف‌های خیلی نازل نازل است که از ما این‌ها را نخواستند. این‌ها مقدمات کار است. یک پژوهش که انسان بتواند در برابر امام بگوید: «إنّی محقق لما حققتم ومبطل لما ابطلتم ومحتمل لعلمکم». انبیا علیهم‌السلام آمدند و هرکدام که آمد، کتاب آورد؛ اما ما کتابی داریم که هیمنه دارد. اگر هیمنه دارد، ما اهل این کتابیم باید مهیمن بر ملل دیگر باشیم. آن‌وقت خدای ناکرده در صف دیگر قرار بگیرم که نمی‌شود.

اما این‌همه حرف‌ها زمینه است، برای اینکه ما سرمایه داریم، یک؛ می‌توانیم از این سرمایه استفاده کنیم، دو؛ و این سرمایه ما، سرمایه علمی از یک سو و سرمایه عملی است از سوی دیگر و این کلام بوسیدنی امام فرمود که «بالعقل یعتقل العلم» اول فرمود: «علینا القاء الاصول وعلیکم التفریع»؛ شما شاگرد باشید، حرف‌های این و آن را یاد بگیرید. صاحب جواهر این را گفته و فلان‌کس این را گفته، این هنر نیست. اگر صاحب جواهر شدی، اگر شیخ انصاری شدی، نیمه هنر است. تازه نیمه هنر است؛ اما فرمود: اگر آن عقل عملی‌تان فعال بود، که این علم را عقال کرد، نگذاشت بی‌جا حرف بزنید، علیه کسی حرف بزنید، آبروی کسی را ببرید، کسی را تحقیر بکنید و این را نردبان قرار بدهید برای مراتب بالاثر، «بالعقل یعتقل العلم» آن درست است.

اول فرمود: «علینا القاء الاصول وعلیکم التفریع»؛ الا و لابد باید مجتهد باشید. مقلد شدی، کاری از تو ساخته نیست، عوام هستی. اگر مجتهد شدی، تازه این را که سرکشی می‌کند، باید با عقل عملی عقال کنی. نه بیراهه بروی نه راه کسی را ببندی: «بالعقل یعتقل العلم»؛ یعنی علم چموشی می‌کند. اینکه حضرت به آن شتربان فرمود «اعقل و توکل»، دیگران گفتند: با توکل زانوی اشتر ببند، همین است. این هوس ما عقال می‌خواهد، آن هوای ما عقال می‌خواهد، این غرور ما عقال می‌خواهد. این را فرمود: با عقل عملی کمترین که یافت می‌شود، این عقل عملی است. بین جزم و عزم هم کاملاً فرق است. آنکه باید عزم داشته باشد، چیز دیگری است. اینکه باید جزم داشته باشد، این آسان است برایش. این دروغ گفتن فعل است، این عقل عملی که ندارد؛ چون عقل عملی ندارد وهم و خیال به‌جای او نشسته است. علم را عقل نظری دارد. عقل نظری می‌گوید: زید غایب نیست، تحقیق کرده دیده که ایستاده نیست؛ اما عقل نظری بیچاره که دروغ نمی‌گوید. دروغ فعل است. این کذب فعل است، این مال عقل عملی است؛ چون عقل عملی نیست و وهم به‌جای او نشسته، خیال بجای او نشسته ﴿وجحدوا بها واستیقنتها انفسهم﴾ به‌جای او نشسته، به‌تعبیری موسای کلیم علیه‌السلام عالماً و عامداً این شخص دروغ می‌گوید؛ چون عقل عملی نیست. وهم و خیال و امارة بالسوء اینجا نشسته است.

این امارة بالسوء الآن دارد دروغ می‌گوید که امیدواریم، ذات اقدس الهی به‌برکت خون‌های پاک شهداء، نظام ما، جامعه ما و حوزه ما، ایران اسلامی ما را در سایه ولیاش حفظ بکند. خطر غزه را به صهیونیسم برگرداند. خطر خاورمیانه را به صهیونیسم برگرداند! خطر این منطقه را به آمریکای پلید برگرداند و این نظام را تا ظهور صاحب اصلیاش از هر خطری حفظ بکند و از همه شما محققان و پژوهشگران حق‌شناسی می‌کنیم. از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کنیم که به همه شما، آثار قلمی شما و قدمی شما خیر دنیا و آخرت بدهد. همه کسانی که با شما همکاری می‌کنند، در پژوهش‌های حوزه در شعب گوناگون حوزه، مشمول عنایت ویژه ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف قرار بدهد.

• چهار محور ارتباطی علوم اسلامی و هوش مصنوعی

به گزارش خبرگزاری حوزه، آیت‌الله اعرافی در این همایش بیان کرد: حقیقت انسان و رشد انسان در گروی اندیشه‌ورزی و پژوهشگری است و اینها در هویت انسان ریشه داشته و برای رشد انسان نیز ضروری است.

مدیر حوزه‌های علمیه گفت: اگر پژوهش در خدمت علوم الهی و اسلامی قرار گیرد، پژوهشی متمایز خواهد بود؛ به‌دلیل اینکه جایگاه علوم الهی در زمان کنونی که انتظارات به‌حقی هم از این علوم می‌رود، یک جایگاه ممتازی است؛ لذا همان‌طور که تحقیق و اندیشه‌ورزی در علوم الهی، دارای اجر مضاعف هست، در کوتاهی در این بخش‌ها نیز، عقاب مضاعفی خواهد بود.

وی بیان کرد: حوزه علمیه در این صد سال اخیر، دارای دستاوردهای زیادی بوده؛ از دل این حوزه عالمان و بزرگان زیادی بودند و هستند که منشأ اثرات فراوانی در جهان بشری شده‌اند؛ همچنین از دل این حوزه، انقلاب اسلامی پدید آمد، از دل این حوزه، شخصیت بزرگی همچون آیت‌الله جوادی آملی بیرون آمد که مثل خورشید می‌درخشد و برکات دیگری که از دل این حوزه به‌وجود آمده و باید در کنار انتقادهایی که وجود دارد و بیان می‌شود، این دستاوردها نیز بیان شود.

مدیر حوزه‌های علمیه گفت: تفسیر تسنیم که محصول یک دوره تدریس تفسیر از حضرت آیت‌الله جوادی آملی می‌باشد، یک کار منحصر به فردی بوده که در این دوره اتفاق افتاد؛ چراکه ما قبلاً تفسیر داشتیم؛ اما اینکه این تفسیر قرآن، تدریس شود و همگان بتوانند در این جلسات شرکت کنند و سپس این جلسات تنظیم و به‌صورت مکتوب عرضه شود، کار منحصر به فردی است.

وی اظهار کرد: حضرت آیت‌الله جوادی آملی نه‌تنها در حوزه تفسیر و فقه و اصول و علوم عقلی منشأ برکت بوده‌اند که در حوزه منش و روش و اخلاق عملی نیز، در حوزه علمیه اثرگذار بوده و شاگران زیادی تربیت نموده‌اند.

آیت‌الله اعرافی در بخش دوم از سخنان خود، به رابطه علوم اسلامی و علوم دیجیتال و هوش مصنوعی پرداخت و بیان کرد: این رابطه بین علوم اسلامی با هوش مصنوعی را در چهار محور می‌توان تعریف کرد؛ یکی اینکه هوش مصنوعی به‌مثابه موضوعی نو و مستحدث است؛ علوم فلسفه و کلام، فقه و حقوق و اخلاق و ارزش‌ها باید درباره این پدیده داوری کنند؛ یعنی هوش مصنوعی، موضوعی است که در شعاع علوم اسلامی باید بحث شود.

مدیر حوزه‌های علمیه افزود: محور دیگر در رابطه با این موضوع، این است که هوش مصنوعی، یک ابزار است و حوزه باید در این مورد و استفاده از این ابزار، خصوصاً در امر پژوهش پیشگام باشد.

وی ادامه داد: محور دیگر این است که هوش مصنوعی، همراه و مشارک در تحقیق باشد و محور چهارم که مهم هم است، اینکه هوش مصنوعی، موضوع‌ساز است و همان‌طور که می‌تواند، انواعی از مسائل فلسفی، کلامی، تفسیری، حقوقی و اجتماعی تولید کند، ما باید مواضع قوی داشته باشیم تا بتوانیم، بیشترین و بهترین استفاده را از آن ببریم و این را به‌عنوان یک موضوع‌ساز در نظر بگیریم و با آن برخورد کنیم.

• توقع از حوزه برای تحقق علوم انسانی اسلامی

رئیس بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اسراء نیز در این همایش، با اشاره به خدمات ارزشمند و نیز آسیب‌های فراوان علوم انسانی برای جهان معاصر، افزود: ما در حوزه باید در دو زمینه تلاش کنیم؛ اول اینکه آسیب‌هایی را که برای بشر پیش آمده است، شناسایی و جامعه اسلامی را در برابر آن واکسینه کنیم؛ اما وظیفه مهمتر آن است که مبتنی بر علوم اسلامی، علوم انسانی‌ای تولید کنیم که در عرض آنچه دیگران تولید کرده‌اند، کارآیی داشته باشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین جوادی آملی، با بیان اینکه حوزه علمیه زحمات فراوانی را در این زمینه کشیده و تحقیقات ارزشمندی را ارائه نموده، تصریح کرد: ما معتقدیم، بر مبنای قرآن و سنت می‌توانیم، برای جوامع بشری در تمامی عرصه‌ها نسخه زندگی‌بخش و سعادت‌آفرین ارائه کنیم؛ متأسفانه کار چندانی انجام نشده است و اگر نظام اسلامی عهده‌دار این مسئله است، باید کارنامه موفقی در این رابطه ارائه کند؛ گرچه تلاش و کوشش همه محققان حوزه و دانشگاه مشکور است؛ لذا رسالت آینده حوزه و محققان این است که چنین نظامی را تولید کنند.

وی افزود: شاید دانشگاه در این حد ادعا نداشته باشد؛ ولی حوزه مدعی است که درهای آسمان به روی ما باز است و ما می‌توانیم برای زمینیان برنامه الهی که تأمین‌کننده سعادت دنیا و آخرت آنان است، داشته باشیم. آیا این امر محقق خواهد شد و توقعی که از حوزه وجود دارد، شدنی است؟ لذا باید آینده حوزه را در این راستا قرار دهیم.

رئیس بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اسراء با بیان اینکه علوم انسانی و اسلامی از فناوری دیجیتال بهره می‌برد تا بتواند آینده ترسیم‌شده را رقم بزند، گفت: نگاه ما این است که بتوانیم، بر مبنای قرائت آیت‌الله جوادی آملی از علوم انسانی اسلامی، با استفاده از فناوری دیجیتال قدمی برداریم و از نظرات صاحب‌نظران هم بهره خواهیم برد.

تقدیر انجمن‌ها و قطب‌های علمی حوزه از دو برگزیده جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا برته مسئول انجمن‌ها و قطب‌های علمی حوزه‌های علمیه در دیداری با حجت‌الاسلام والمسلمین واعظی رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و محمود حکمت‌نیا استاد گروه فقه و حقوق پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، از برگزیدگان ششمین دوره جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی، تقدیر کرد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، حجت‌الاسلام والمسلمین واعظی در این دیدار، ضمن قدردانی از توجه حوزه‌های علمیه به اندیشمندان حوزه‌ای و تأکید بر تکریم مضاعف دانشمندان و نخبگان جوان، تقویت نهادهای علم‌سنج حوزه‌ای با رویکردهای علمایی، غیرسازمانی و ناظر به حل مسائل واقعی کشور را از اولویتهای پژوهشهای دینی و حوزوی برشمرد.

دکتر حکمت‌نیا نیز، با ذکر خاطراتی، مواجهه عالمانه و پدرانه با چالش های نسل نو را از امتدادهای ضروری پژوهش‌های حوزوی دانست.

در پایان حجت‌الاسلام والمسلمین برته، به نمایندگی از انجمن های علمی حوزه، ضمن برشمردن دستاوردهای علمی برگزیدگان، از سال ها تلاش، تولید دانش، پاسخ به پژوهش های ناپیدا و تربیت فضلای حوزوی و انتخاب ایشان به‌عنوان دانشمندان برگزیده علوم انسانی – اسلامی را تبریک و لوح یادبود انجمنهای علمی را اهدا نمود.

خاطرنشان می شود، ششمین دوره جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی، همزمان با برگزاری هفتمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، دوشنبه ۲۲ آبان در تهران برگزار شد که دکتر محمود حکمت‌نیا استاد گروه فقه و حقوق پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و حجت‌الاسلام والمسلمین احمد واعظی رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم برگزیده این دوره از جایزه جهانی شدند.

گفتنی است، دبیرخانه دائمی کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، به‌منظور تقویت انگیزه‌ها، تشویق و ترغیب پژوهشگران مسلمان اعم از ایرانی و غیرایرانی برای نوآوری و نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی اسلامی و از همه مهم‌تر، الگوسازی در این عرصه، هر دو سال یک‌بار، جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی را برگزار کرده و به برترین نوآوری‌ها و نظریه‌ها جایزه اعطا کرده است.